

خلیج فارس در نقشه‌های تاریخی

دکتر محمد حسن گنجی^۱

در نتیجه پیشرفتهای خارق‌العاده‌ای که در طول قرن بیستم در ارتباطات به وجود آمده است، فواصل زمانی و مکانی بشر خیلی کوتاه شده و یا در بسیاری موارد از بین رفته است. این امر باعث شده است که قرن ۲۱ را قرن ارتباطات نام گذاشته‌اند. یکی از وسایل ارتباطی که مورد استفاده پژوهشگران و دانشمندان و علاقمندان در قرن ۲۱ قرار می‌گیرد، «نقشه جغرافیایی» است. بر روی نقشه جغرافیایی هر گونه اطلاعاتی که در مورد زمین قابل تصور باشد مانند شکل و ابعاد زمین، پراکندگی دریاها و خشکیها، تقسیمات کشوری، شهرها، روستاها، جنگلها، کوهها، دشتها، خلیجها، همه نشان داده می‌شود. نقشه جغرافیایی، مجموعه اطلاعاتی است که درباره زمین می‌شود حفظ کرد یا ارائه نمود. اگر این نقشه مربوط به برهه‌های زمانهای گذشته باشد، قویترین و مهمترین سند ارائه اوضاع دنیا در آن زمان به خصوص است. یعنی اگر ما نقشه‌ای داشته باشیم که نشان بدهد که در ۲۵۰۰ سال پیش به دریای جنوب ایران چه می‌گفتند، آن بزرگترین سند و مهمترین دلیل نامگذاری آن دریا در آن زمان می‌شود. در این سری از نقشه‌هایی که من انتخاب کرده‌ام که خدمتتان ارائه بدهم، نمونه‌هایی از ۲۵۰۰ سال قبل از

۱. استاد ممتاز بازنشسته دانشگاه تهران و عضو شورای عالی علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (این مقاله از نوار سخنرانی استاد تلخیص و اقتباس شده است).

میلاد تا اوایل قرن ۱۹ وجود دارد که در تمام آنها این دریا بنام دریای پارس «خلیج فارس» نامیده شده است. در اینجا لازم می‌دانم به این مطلب اشاره کنم که در جغرافیای تاریخی، تاریخ نقشه‌کشی را که به عنوان کارتوگرافی معروف است به چهار دوره تقسیم می‌کنند: دوره کلاسیک، دوره قرون وسطی، دوره جدید و دوره معاصر که در هر کدام از این دوره‌ها پیشرفت بشر در توسعه نقشه و یا اختراع روشهای نقشه‌برداری نشان داده شده است. من برای هر کدام از دوره‌ها چند نام — از جمله در دوره کلاسیک چهار تا اسم — انتخاب کرده‌ام: اراتوستن، هیپارکوس، پوزیدونیوس و پتولومیوس یا بطلیموس. اراتوستن را بدین جهت انتخاب کردم که اول کسی است که کلمه «جغرافیا» را به معنای نگارش زمین به کار برده است. کلمه جغرافیا از همان تاریخ تاکنون در هر زمان و در هر کشور که درباره زمین و انسان مطالعاتی شده، به کار رفته است و چنین است که امروزه ما هم جغرافیا می‌گوییم. علت دیگری که باعث انتخاب اراتوستن شده، این است که او اول کسی بود که زمین را اندازه‌گیری کرد و می‌دانیم که اندازه‌گیری است که امکان نقشه را فراهم می‌کند. اگر ما اندازه‌ای نداشته باشیم، نمی‌توانیم نقشه‌ای داشته باشیم. از این رو، نقشه‌هایی که منسوب به اراتوستن است، به عنوان قدیمترین سند ارائه می‌دهیم که در آنها دریای جنوب فلات ایران خلیج فارس یاسینوس پرسیکوس نوشته شده است. همانطور که آقای دکتر ولایتی هم گفتند ممکن است به زبانهای مختلف نوشته شده باشد، ولی ترجمه همه، همان خلیج فارس است (نک: نقشه اراتوستن).

انتخاب نفر دوم برای این بود که او یعنی هیپارکوس، اولین کسی است که مختصات جغرافیایی یعنی طول و عرض را توانسته بود، روی زمین پیاده بکند. این را بگوییم یکی از مشکلات جغرافیا و کارتوگرافی از قدیم تا حالا این بوده است که زمین کروی را روی نقشه مستوی طوری پیاده بکند که صدمه هم به جایی نرسد. این مشکل در جغرافیا همیشه وجود داشته است و از همان قدیم راه‌هایی پیدا کرده‌اند که به اصطلاح زمین کروی را روی نقشه مسطح نشان بدهند. این عمل را می‌گویند، تصویر جغرافیایی. هیپارکوس کسی است که اولین بار تصویر جغرافیایی را بوجود آورده است. بدین صورت که گفته است، اگر ما برای زمین یک شبکه‌بندی در نظر بگیریم که قسمتهای افقی عرض جغرافیای باشد و قسمتهای عمود بر آن طول جغرافیایی باشد، ما می‌توانیم

نقاط جهان را نشان بدهیم؛ بدون آنکه اختلاف زیادی با واقعیت پیدا کرده باشند (نک: نقشه هیپارکوس).

نفر سوم را «پوزیدونیوس» انتخاب کردم. برای این که او هم در یونان قدیم بعد از اراتوستن یک اندازه‌گیری از زمین کرده است که اشتباه هم بوده است. چون در اندازه‌گیری اراتوستن طول مدار استوا و طول هر نصف‌النهار ۴۰۲۵۰ کیلومتر بدست آمده بود و حال این که طبق محاسبه پوزیدونیوس ۲۵۰۰۰ کیلومتر ارائه شده است و متأسفانه تمام جغرافیادانان بعدی تا زمان مامون خلیفه عباسی، بر اساس این رقم دومی عمل می‌کردند. تا اینکه این مشکل را بعدها جغرافیادانان اسلامی از بین بردند.

نفر بعد «پتولومیوس» است که ما «بطلمیوس» می‌گوییم. او کسی است که در آن زمان تمام اطلاعاتی که درباره زمین موجود بوده است، جمع و جور کرده و دو کتاب از او به یادگار مانده است. یکی فرهنگ جغرافیایی است که در آن زمان ۸۰۰۰ نقطه زمین را با مختصات جغرافیایی ارائه داده و دیگری اطلس جغرافیایی است که در آن نقاط زمین روی نقشه نشان داده شده و علاوه بر نقشه‌های جهان‌نما، نقشه‌های منطقه‌ای برای تکه‌های زمین هم فراهم کرده است (نک: نقشه بطلمیوس).

بعدها در قرون وسطی به علت سلطه مطلق کلیسا و گسترش عیسویت، افکار و نظرات علمی درباره زمین که در یونان از زمان ارسطو وجود داشت، بکلی از میان رفته و جای آن خرافات مذهبی متداول شده بود.

در دوره قرون وسطی به محض اینکه عیسویت همه‌جاگیر شد، قدرت کلیسا به حدی رسید که تمام مفاهیم علمی اجتماعی را با محتوای تورات و انجیل مطابقت می‌دادند. مسئله کرویت زمین که سیصد، چهارصد سال مورد تأیید یونانیها بود، مورد ایراد قرار گرفت و هرکس می‌گفت زمین گرد است، محکوم به اعدام می‌شد و او را می‌سوزاندند. ارباب کلیسا تمام آثار را از بین بردند، از جمله معروف است، در سالهای جنگهای مذهبی کتابخانه اسکندریه که بزرگترین مرکز کتب موجود آن زمان بود آتش زده شد و تمام نسخه‌های موجود آن زمان از بین رفت و به مدت ۱۰۰۰ سال هیچ کس از ترس کلیسا نمی‌توانست بگوید زمین گرد است. در تمام آن مدت نقشه‌ها هم فراموش شد و آنچه که در آثار مسیحیت در کلیسا که مرکز فرهنگی آن زمانها بود،

می‌بینیم دایره‌هایی می‌کشند که از گردی زمین حکایت می‌کند و یک دریایی است که آفریقا را از اروپا جدا می‌کند و آسیا یک‌طرفش است (نک: نقشهٔ کلیسائی) البته هیچ ارزش علمی ندارد. غیر از این، چیزی از کلیسا برجا نمانده است. ولی یک نکته مهم این است که همزمان با انحطاط فکری قرون وسطی و سلطه مطلق خرافات کلیسائی در مشرق زمین، ستاره اسلام طلوع می‌کند و دین مبین اسلام ظهور می‌کند. در فاصله دو قرن اول اسلام، امپراطوری اسلام از رود سند تا مراکش را در برمی‌گیرد و علاوه بر آن آنچه که در قرآن راجع به خلقت زمین و راجع به دریاها و آسمانها بر مبنای وحی رواج پیدا می‌کند، در دارالعلم بغداد که مرکز امپراطوری اسلامی بوده است، کتابهای علمی ترجمه می‌شود. از جمله همین کتاب بطلمیوس هم بوسیله ابن خردادبه (نک: ابن خردادبه) و دیگران به عربی ترجمه شد و اعراب با مبانی علمی یونانیها آشنا می‌شوند. ضمناً امپراطوری اسلامی، در دوره بنی‌عباس برای ادارهٔ امپراطوری وسیع نیاز به اطلاعات زیاد دارد. از نظر جمع‌آوری مالیات و مسئله مسالک و ممالک‌نویسی در ادبیات جغرافیای ما به مدت چند قرن معمول می‌شود. جغرافیادانان کسانی بودند که در خدمت دولت بودند و کارها را چه برای جنگ و چه برای جمع‌آوری مالیات آسان می‌کردند؛ اینها همه مسالک ممالک می‌نوشتند و همه آنها نقشه داشتند که متأسفانه در استنساخ‌های بعدی که از نسخه‌های اولیه شده به این نقشه‌ها کمتر توجه شده است. امروزه نسخه‌های اندکی از آثار آنها وجود دارد که در آنها نقشه موجود است و ما در اینجا برای ارائه چند تا از آن نقشه‌ها را انتخاب کرده‌ایم. این نقشه‌ای است از جیحانی (نک: نقشهٔ جیحانی) فرض او این است که تمام ربع مسکون جهان، دایره‌ای شکل است و دریایی دورش را احاطه کرده است بنام دریای محیط. از این دریای محیط یک دریایی به داخل خشکی پیشرفتگی دارد و این خلیج فارس است که نشان می‌دهد ۴ تا جزیره داشته است. جزیره خارک، جزیره برهوت، جزیره قشم و جزیره بحرین. این دریای مدیترانه است که منتهی می‌شود به دریای سیاه و اینجا نوشته شده است قسطنطنیه ... و این به زعم آنها رود نیل است که اینجا از کوههای ماه یا کوههای قمر سرچشمه می‌گیرد و می‌ریزد به دریای مدیترانه و این آنجایی است که دو تا دریا به هم نزدیک می‌شود و در قرآن هم هست که دریای شور و شیرین به هم نزدیک می‌شوند. آب

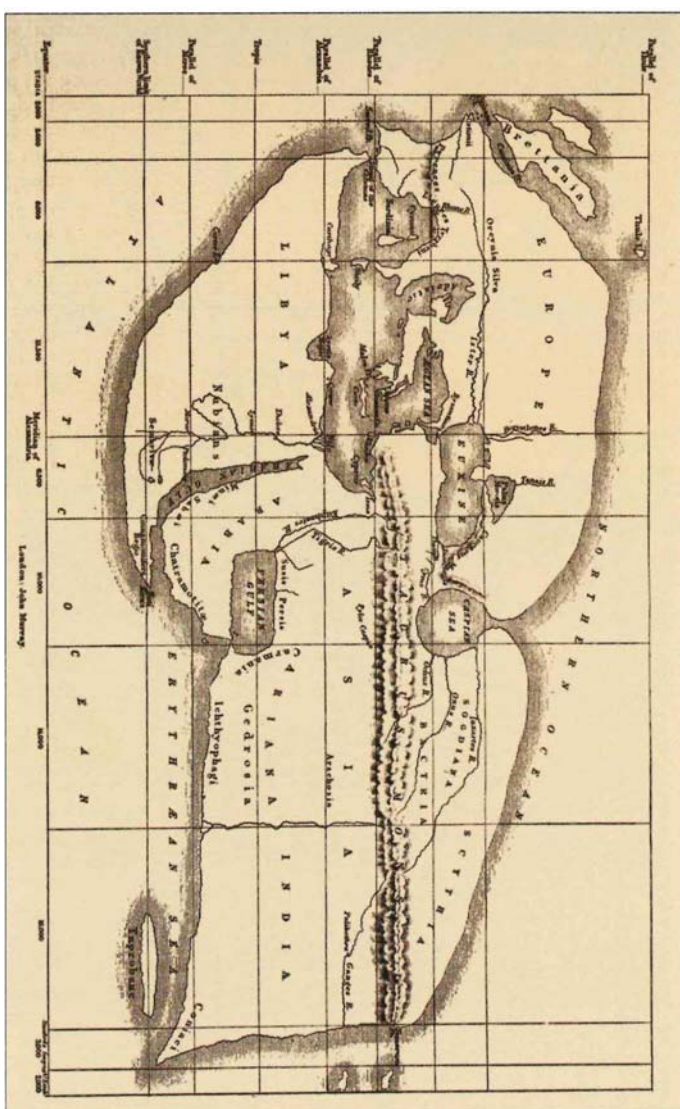
دریای احمر شور و دریای مدیترانه شیرین است ... این یک نقشه‌ای است که از جیهانی برجای مانده و نشان می‌دهد که تصورشان از جهان چه بوده است. این تکنیک نقشه‌کشی به اصطلاح جغرافی‌دانان اسلامی، خاص خودشان است؛ نه به آن صورت قدیمی بوده و نه به آن صورت که بعدها آمده و متأسفانه ما جغرافی‌دانان ایران زمین، درباره این مطالعات جغرافیایی اسلامی، کمتر مطالعه کرده‌ایم و این اسباب تأسف من است که سالهای زیاد در این زمینه زحمت می‌کشیم، ولی از کتب ارزشمند جغرافیای اسلامی اطلاعی نداریم، آن هم به دلیل است که با کمال تأسف باید بگوییم که زبان عربی را — تا آنجایی که بتوانیم از این کتابها استفاده کنیم — در مدرسه‌ها به ما یاد نمی‌دهند. این یک نقشه دیگری است از استخری (نک: نقشه استخری) و استخری بزرگترین جغرافی‌دانی است که از او نقشه بر جا مانده است. در نقشه‌های استخری هم که ۲۷-۲۸ نسخه مختلف موجود است، اشتباهاتی وجود دارد. چون آنهایی که نقشه را استنساخ کرده‌اند با حروف فارسی یا عربی و با نامهای نامأنوس نقاط دوردست برخورد کرده‌اند، نمی‌دانستند که گاهی نقطه به جای اینکه پایین کلمه باشد بالای آن آمده است و اسمها به کلی مغشوش شده است که تشخیص اسمها خود مشکلی برای پژوهشگران بوجود می‌آورد. در اینجا می‌بینیم که باز همان مسئله دریای محیط مطرح است و خلیج فارس هم به همین صورت آمده است و باز به همان دریای مدیترانه نزدیک است. مطلبی هم بگوییم که درعرف نقشه‌های اسلامی همیشه شمال و جنوب نقشه و مغرب و مشرق نقشه برعکس آن است که ما حالا می‌بینیم. یک نقشه بزرگ جهان‌نمایی از ادیسی، که در سالن رایزن مرکز دائرةالمعارف موجود است، تمام جهان را نشان می‌دهد، ولی وارونه. یعنی خلیج فارس و عربستان بالای نقشه و اسکاندیناوی پایین نقشه است. اغلب نقشه‌ها این گرفتاری را دارد. در اینجا اسم خلیج فارس را آورده است. اینجا مثلاً دریای چین و سند را آورده است. بعد ماوراءالنهر، خراسان، سند، دیلمان، سیستان، آذربایگان، دیار کرمان، دیار فارس و دیار خوزستان را نشان می‌دهد. آنها همجوار دریای بزرگی بوده‌اند به نام دریای پارس «خلیج فارس» که آن را شامل دریای عمان، دریای احمر، قسمت عمده‌ای از بحر محیط می‌داند. اینجا، مدیترانه است. جزایر قبرس و این هم رود نیل است که از همان کوه‌ها سرچشمه می‌گیرد. این یک

نقشه‌ای است که از آن زمان و آخرین نقشه‌ای است که در مجموعه نقشه‌های استخری به ما رسیده است. این هم که نقشه جهان‌نمایی است که مربوط به سال یکی از تحریف‌های نقشه استخری است. در اینجا دریایی را نشان می‌دهد که بعدها در نقشه‌های بعدی خواهید دید. این شکلی که نقشه نشان می‌دهد از اینجا دجله و فرات می‌ریزد به دریای پارس. این نقشه را گفته‌اند که به صورت پرنده‌ای است. این جا منقارش است. این هم پاهایش و بعدها هم خیلی‌ها از این تقلید کرده‌اند. اهمیت این نقشه برای ما در این است که دجله و فرات را تنها در این نقشه می‌بینید که به هم متصل شده‌اند و بعد به خلیج فارس ریخته‌اند. بقیه باز همان مسئله محاط بودن بر بحر عمان و دریای احمر در آنها مطرح است. این نقشه متعلق به ابوریحان بیرونی است (نک: نقشه ابوریحان بیرونی) که از همه آنها تقریباً به واقعیت نزدیکتر است. اگر خاطرتان باشد، گفتم وارونه است. در اینجا نوشته بحرف فارس. اینجا ارض العرب. اینجا خلیج فارس، اینجا عربستان و اینجا دریای احمر است. این دریای هند است و این هم توده به اصطلاح خاک بر قدیم، که در زمانهای خیلی دور به آن سرزمین یا جوج و مأجوج گفته‌اند. خراسان، هند و چین اینها را همه در حقیقت جزء دریای محیط حساب کرده است. ابوریحان بیرونی در میان تمام جغرافی‌دانان اسلامی امتیاز خاصی دارد. برای اینکه بیشتر از همه روی مسائل علمی کار کرده و او اولین کسی است که مثلثات کروی را به دنیا معرفی کرده است و از راه حل مثلثات کروی است که ما می‌توانیم سطح کره را در قسمتهای کوچکتر اندازه‌گیری بکنیم. استخری همانطور که گفتم مقدار زیادی نقشه‌های محلی یا منطقه‌ای دارد. این یک نقشه خلیج فارس است و رودهایی که به خلیج فارس وارد می‌شود. اینجا نوشته رود گُر. اینجا نوشته دریاچه بختگان. تمام شهرهای فارس، کرمان، خراسان تا اصفهان که اینجا نوشته، همه شهرهای آن زمان را بصورت‌های مختلف درآورده که شکلها و رنگها و این هاشورهای وسطی هر کدام معرف یکی از مسائل اجتماعی آن زمان بوده‌اند. اگر یک جغرافی‌دان مطلع باشد، می‌تواند شرایط اقتصادی و ارتباطی ایران را در آن قسمت مجاور خلیج فارس از این نقشه استنباط بکند.

یکی از بزرگترین جغرافی‌دانان ما ادیسی است که بیشترین نقشه‌ها از او برجا مانده است. ۸۳ نقشه از ادیسی در دست است که هر یک براساس روش خاصی که

خودش ابداع کرده است، یعنی براساس ۷ اقلیم یک نقشه جهان‌نما دارد و در هر اقلیمی ۱۰ نقشه منطقه‌ای دارد. این نقشه ادریسی است (نک: ادریسی) از خلیج فارس که نشان می‌دهد، سیراف، هرمز، بنادر ساحلی و جزیره خارک. اینجا نوشته بحر فارس. این هم یکی دیگر است از همان نقشه‌های محلی استخری. در یک نسخه دیگر که اینجا خدمتتان گفتم، نشان می‌دهد طرق ارتباطی را. این نقشه مربوط به عربستان است. این شهر مدینه و این مکه است. تمام شاه‌راههایی که از شمال و ایران به مدینه متصل می‌شود و راه‌های ورود به مکه در اینجا مشخص کرده است. این هم یک نقشه خاص خلیج فارس است، متعلق به استخری که تقریباً هیچ بندری در آن از قلم نیفتاده است. در کتابی که سال گذشته در بنیاد ایرانشناسی منتشر شده است، ۴۰ نقشه از جغرافی‌دانان اسلامی را ارائه داده‌ایم و ۱۲۰ نقشه از جغرافی‌دانان غیراسلامی که در همه آنها نام خلیج فارس بیان شده است. این هم نقشه‌ای از خلیج فارس است که گفتم، اینجا را تشبیه کرده‌اند به یک مار (هفته گذشته در روزنامه اطلاعات خواندم یک هنرمند ایرانی به دستور مقامات با الهام گرفتن از این نقشه، بنای خاصی درست کرده، به صورت یک مار از یک صخره سنگ بزرگ، که در عسلویه و در کنار دریا نصب کرده‌اند و نوشته شده بود که از همین نقشه استخری الهام گرفته است) این هم یک نقشه است که اینجا نشان می‌دهد، اینجا خلیج فارس است. این هم دنباله خلیج فارس، دریای احمر. همه را جزء خلیج فارس گرفته‌اند. بعد می‌رسیم به زمانی که بخاطر اکتشافات جغرافیایی که اروپاییها یک کمی از محیط زندگیشان دور می‌شوند و اطلاعات تازه‌ای از جهان کسب می‌کنند و به حسب احتیاج اصول نقشه‌برداری مدرن با اطلاعات بیشتر متداول می‌شود. اینجا من چندتا نقشه انتخاب کرده‌ام از نقشه‌های مکتبهای نقشه‌کشی که در اروپا متداول شد. اول در هلند، سپس آلمان، ایتالیا، انگلیس و فرانسه و در اینجا هم در اطلسهایی که براساس اطلاعات امروزی جمع‌آوری می‌کنند، یک سری نقشه انتخاب کرده‌ام. در این نقشه‌ها خلیج فارس نشان داده می‌شود و چون نخواستیم تفصیلی از آن را بیان کنم، فقط سال چاپشان را نشان می‌دهم. این نقشه مربوط به سال ۱۵۴۶م است و اینجا نوشته است؛ سینوس پرسیکوس. در اطلسی که متعلق به ۱۵۴۶م است نیز این جا را خلیج فارس نوشته است. این دریای خزر و این کوهها و رودهایی که در فلات ایران

جاری است. این نقشه متعلق به ۱۵۶۴م است که باز خلیج فارس را نشان می‌دهد، اینجا سیراف است. این نقشه مربوط به سال ۱۶۰۰م است. کم کم داریم به شکل واقعی نزدیک می‌شویم. این خلیج فارس است. این بحر خزر است و اینگونه تصور می‌کردند که وسط فلات ایران یک سلسله کوه است که اروپا را به آسیا وصل می‌کند و تمام رودخانه‌هایی که به جنوب و شمال جاری است، از این رشته کوهها سرچشمه می‌گیرد. اینجا دریای خزر است. این دوره مربوط به سال ۱۶۲۸م است که اینجا نوشته سینوس پرسیکوس و آن بالا دریای خزر است. این نقشه مربوط به سال ۱۷۵۶ است. اینجا نشان می‌دهد که خلیج فارس با این همه رودهایی که هیچکدام وجود نداشته یا چشمه سارهای کوچکی بوده که اینگونه درآورده‌اند. برعکس وقتی این طرفها رود بوده، اطلاعات کمتری داشته‌اند. بعضی از اسامی که آن زمانها متداول بوده‌اند، اینجا دیده می‌شود و بعضی جاها مثلاً در تمام این نقشه‌ها شهر طبس، حاشیه کویر بوده و خیلی اهمیت داشته است. طبس گیلکی یا جای دیگر که انطباق این نامها با واقعیت خودش بابی بر پژوهش است. این نقشه مربوط به سال ۱۶۷۰م است که بعد کم کم نزدیک می‌شویم. اینجا خلیج فارس است، اینجا خزر. نقشه بعدی مربوط به سال ۱۷۱۴م است. این یک نقشه محلی است از تنگه هرمز. اینجا بندر عباس است و اینجا گوشه‌ای از عربستان است. اینها را بیشتر برای راهنمایی کشتیها در زمان پرتغالیها تهیه کرده‌اند. این نقشه مربوط به سال ۱۷۳۲م است که دریای احمر و خلیج فارس را نشان داده است. این نقشه مربوط به سال ۱۸۰۱م است. اولین نقشه سیاسی است که از دوره صفوی برجا مانده که علاوه بر اینکه خلیج فارس نشان می‌دهد، دریای خزر هم کم کم به شکل واقعی در می‌آید. تمام تقسیمات کشوری که برای مدیریت امپراطوری صفوی بکار می‌رفته است، اینجا مشخص شده است. در مقدمه که راجع به نقشه صحبت کردم، خدمتتان عرض کردم که نقشه جغرافیائی یکی از وسائل مهم ارتباطات امروزی درباره سطح زمین است. حالا توجه فرمائید، این یک عکس ماهواره‌ای است که بوسیله سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح از ماهواره گرفته شده و تفسیر شده است (نک: عکس ماهواره‌ای). این نقشه قسمتی از تهران، شهری و اطراف است و دایره‌ای که نشان داده می‌شود، برج طغرل است که تمام کوچه‌ها و خیابان‌های آن بخش شاه عبدالعظیم را نشان می‌دهد، حتی شما

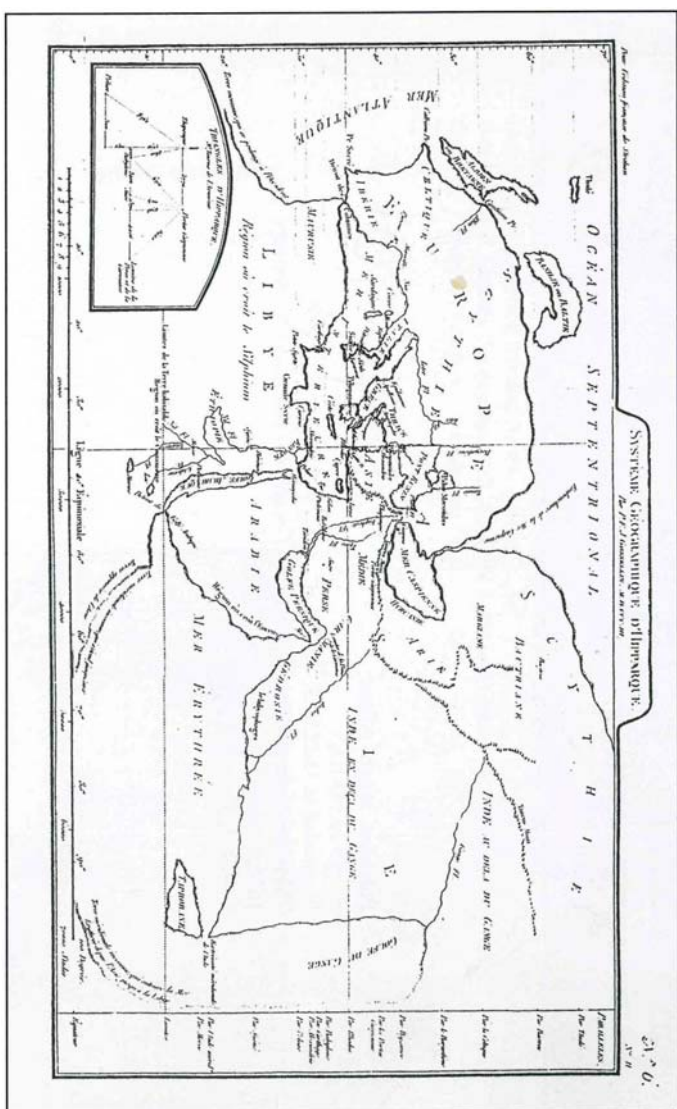


Eratosthenes of Alexandria (Cyrene): World Map, Period: 195-247 B.C.,

The Original was published in Lloyd A. Brown, *The Story of Maps*, Bonanza Books,

New York

نقشه ارآتستن



Hipparchus (Hipparque), World Map, Period: 125-160 B.C., Interpreted in 1803 by P.F.J.

Gosselin. The original was published in P.F.J. Gosselin *Atlas*, Paris 1814, Leiden

University Library

نقشه هیپارکوس

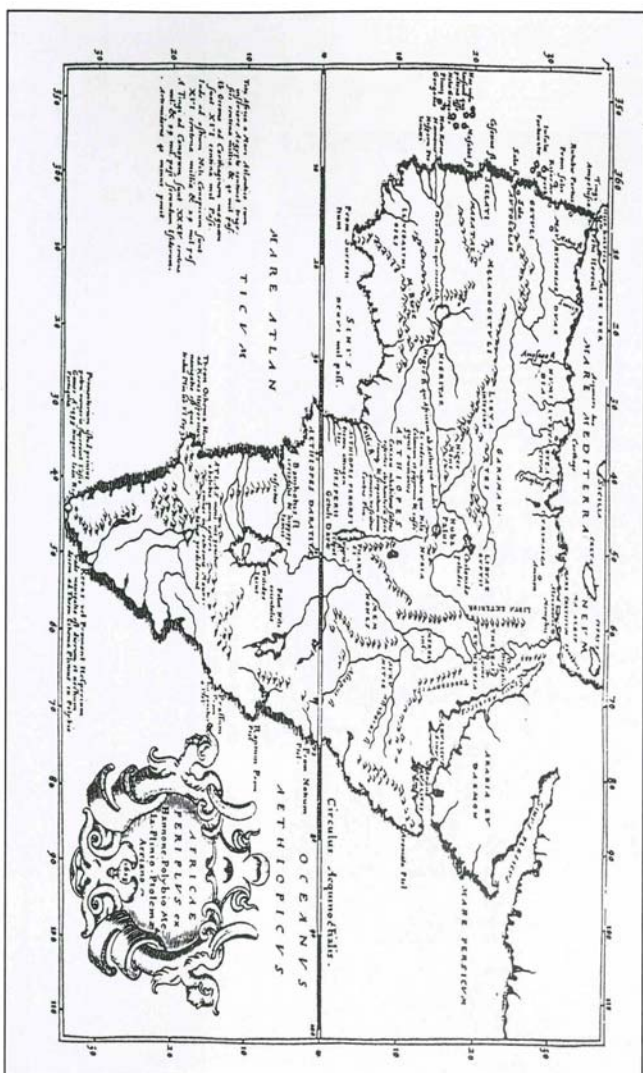


Claudius Ptolemy (Ptolemaios) 87-150 A. D. *Asia Tabula Quinta, Persiae in the Latin translation of *Cosmography Atlas of Ptolemy*, by Jacobi Angeli Acciajolo, 15th century*

A.D.

Original: Naples National Library, Codex Lat. VF. 32

بلمیوس

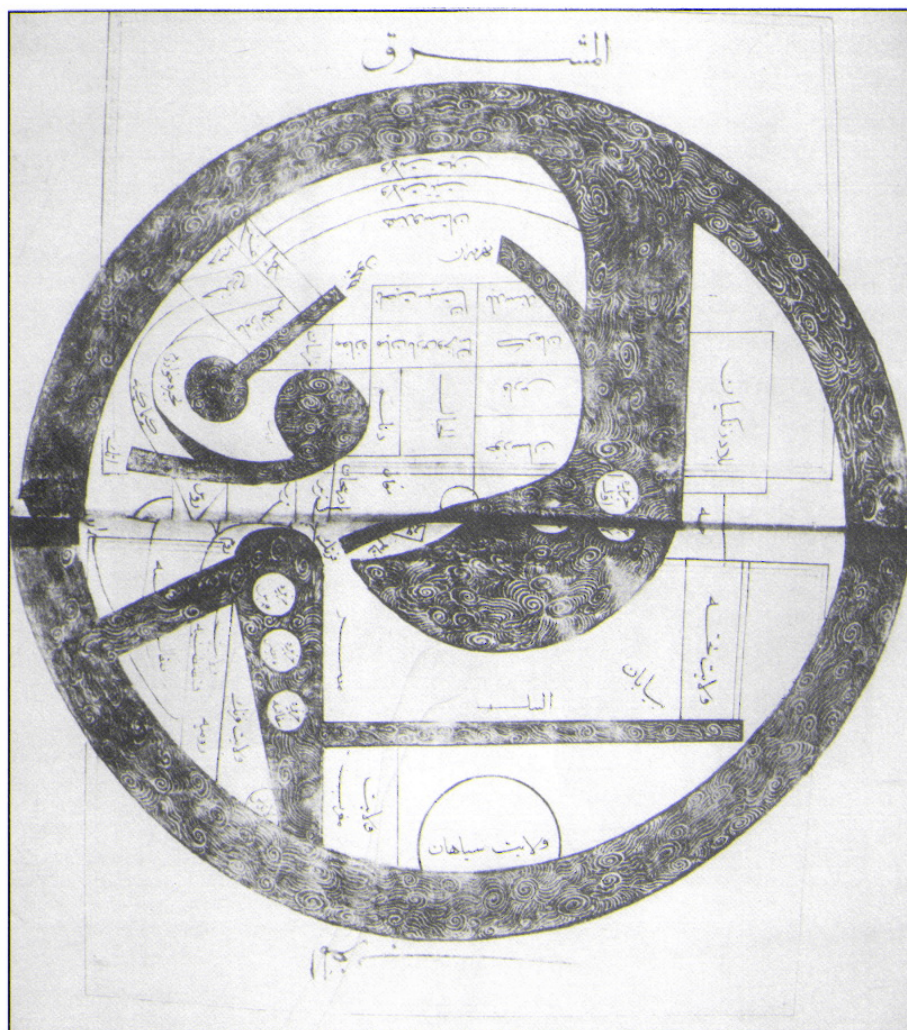


Polybius: Map of Africa, Period: ca. 143 B.C. Interpreted in 1628 by P. Bertius.

The original was published in P. Bertius, *Geographia Vetus Lutetiae*, Parisiorum, 1630,

Planche XVI, Leiden, University Library

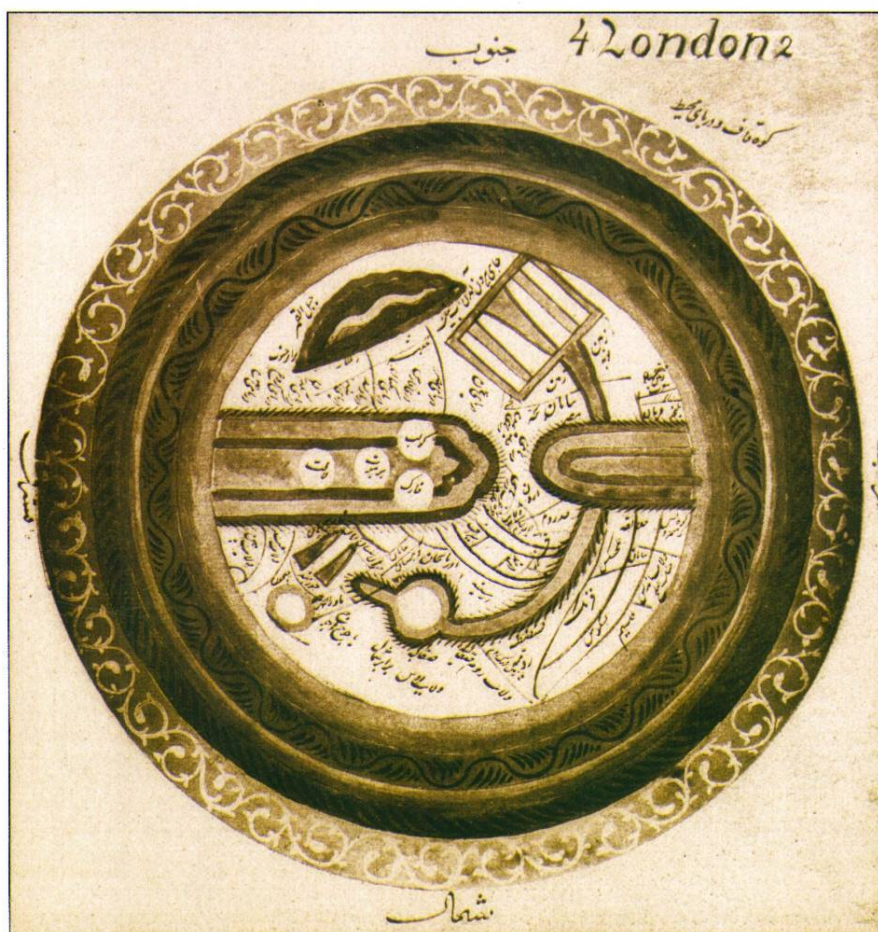
نقشه پلیبیوس



Ibn Khordazbeh, Abol-Qassem Obidollah ibn Abdollah (820 or 826-913 A.D./205 or 211-300 H.), World map, from a Persian manuscript with the name of the author Ibn Khordazbeh.

Original: Rewan Koshk Library, Istanbul, MS No. 1649, ca 1400 A.D./804H

نقشه ابن خردادبه



Jaihani, Abu Abdullah Mohammad ibn Ahmad ibn Nasr
(Before 922 A.D./310 H.)

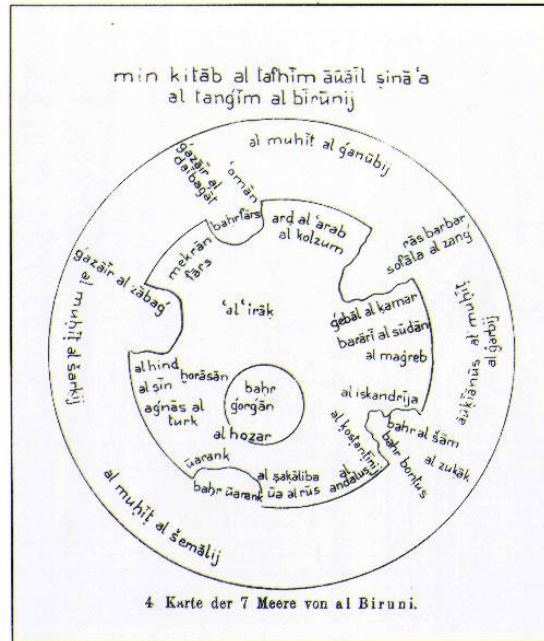
World Map, The World from the original manuscript London University Library

نقشهٔ جیهانی



Al-Istakhri (Estakhri), Abu-Is'haq Ibrahim al-Faresi (Before 930-957 A.D./318-346 H.): *Bahr-e Fars* (Persian Sea) and its surroundings. From a Persian translation of *Kitab al-Masalik va'l-Mamalik* of Istakhri. ca. 11-12 century A.D. Manuscript dated 1325 A.D./726 H. by Ibn Savoji. Original: Iran-e Bastan [Ancient Persia] Museum Library, Tehran MS 3515.

نقشه استخری



Al-Biruni, Abu-Reyhan Muhammad ibn Ahmad (973-1048 A.D./362-440 H.)
Map of the Seven Seas interpreted
By Konrad Miller in *Mappae Arabicae*, Stuttgart, 1931



Colored by Jila Pak

Biruni, Abu-Reyhan Muhammad ibn Ahmad (973-1048 A.D./362-440 H.):
World Map Reconstructed by J. Lelewel

نقشه ابوریحان بیرونی



Edrisi (Idrisi), Sheikh Abu Abdullah Mohammad ibn Mohammad ibn Abdullah ibn Edris al-Edrisi al-Hasani al-Talebi (110-1160 A.D./493-555 H.)

World Map. From *Nuzhat al-Mushtaq* by al-Idrisi (written 1154 A.D.) copied 1500 A.D.

نقشه ادریسی



عکس ماهواره‌ای

می‌توانید ماشینهایی را که در آن ساعت در حال حرکت بودند، ببینید و تمام جزئیات سطح زمین و آنچه را که برای ما مورد توجه است، در این نقشه دیده می‌شود. این آخرین پیشرفت تکنولوژیک است، در نشان دادن سطح کروی زمین روی صفحه مسطح که می‌تواند به صورت عکس باشد یا نقشه. می‌خواهم بگویم که این آخرین پیشرفت و نتیجه ۲۵۰۰ سال تلاش بشر از زمان قدیم تا کنون است. هر چند که این امر از اهمیت نقشه‌های قدیمی در تعیین نام‌های دقیق جغرافیایی نمی‌کاهد.